



نقش معلمان ورزش در کارآمدی درس تربیت بدنی

عباس قشمی میمند
عکاس: غلامرضا بهرامی

اشاره

نقشی که یک معلم ورزش خوب و کارآمد در ایجاد علاقه به ورزش در بین دانش آموزان، بهره‌وری مناسب و تأمین سلامتی روحی و جسمی آنان دارد انکارناپذیر است. «اینکه معلمان ورزشی کارآمد چه کسانی هستند، چه ویژگی‌هایی دارند و نقش مربیان کارآمد در دستیابی به اهداف تعلیم و تربیت چیست» عنوان یکی دیگر از میزگردهای مجله رشد تربیت بدنی بود که در روز دوشنبه ۹۷/۶/۲۶ در دفتر مجله برگزار شد. در این جلسه دکتر محسن وحدانی، رئیس گروه برنامه‌ریزی درس تربیت بدنی دوره ابتدایی، سعید خسروی معاون برنامه‌ریزی درسی، دکتر زهرا تسلیمی، رئیس گروه برنامه‌ریزی درس تربیت بدنی دوره متوسطه به میزبانی دکتر سید امیر حسینی از اعضای هیئت تحریریه مجله شرکت داشتند. دکتر امیر حسینی ضمن تشکر از استادان حاضر در نشست، با اشاره به نقش دکتر شریعتی، مهندس بازرگان، صادق چوبک و پرویز دهداری در جهت‌دهی فلسفه زندگی، تفکر و مسیر ورزشی وی، موفقیت‌ها و اقدامات ورزشی

و علمی دوره چهارساله مدیریت اجرایی خود بعد از انقلاب را ناشی از تأثیر چنین معلم‌هایی دانست. وی با این مقدمه بحث مدارس کارآمد را مطرح کرد و نیروی انسانی خوب، به‌ویژه معلمان ورزش را عنصر اصلی چنین مدارسی دانست و از حاضران در نشست خواست تا راجع به چنین مدارس و نیروی انسانی کارآمد صحبت کنند.

آقای خسروی: بحث کارآمدی و اثربخشی که تحت عنوان «درست انجام دادن کار» و «کار درست انجام دادن» معنا می‌شود از جمله واژه‌هایی هستند که در ادبیات آموزش و پرورش سابقه دارند. یقیناً معلمی که هم کار درست انجام می‌دهد و هم در درست انجام دادن کارهای آموزشی تبحر دارد، فردی کارآمد است. تعریفی که در سند تحول بنیادین از مدرسه شده، به‌عنوان کانون تحولات یک محله است، یعنی هر آنچه یک محله بدان نیاز دارد، در مدرسه مشاهده می‌شود. پس مدرسه کارآمد، نیازهای مخاطبان را در ابعاد مختلف برآورده می‌کند. متأسفانه نگاهی که به مدرسه و آموزش و پرورش وجود دارد صرفاً بحث دانشی آن است. اما بحث آموزش و پرورش مخلوطی

از شن و ماسه نیست که قابل جداسازی باشد. یک ترکیب است. ما آموزش و پرورش را چه در زدن یک توپ توسط دانش آموز و چه در نوشتن یک کلمه روی تخته و سایر فعالیت‌های مدرسه می‌دانیم و تفاوتی بین بخش آموزش و بخش پرورش قائل نیستیم. حرکت و کردار معلم، دانش آموز، گچ و تخته، توپ، دیوار مدرسه، تور والیبال و دروازه فوتبال، همگی جنبه آموزشی و تربیتی دارد. مدرسه کارآمد، مدرسه‌ای است که وقتی وارد آن بشوید مسیر برای شما مشخص باشد و نمی‌تواند مدرسه‌ای نامنظم و کثیف باشد. مدرسه‌ای که حیاطش پویا نباشد و به شما انرژی فعالیت ندهد، کارآمد نیست. اکنون در مدارس و در زمینه فضا و محیط با محدودیت‌هایی مواجهیم. اما رکن اصلی مربوط به معلمان است. فرض کنید مدرسه‌ای مثل البرز داشته باشیم، ولی معلمی فرهیخته در آن نباشد که دیگر بحث کارآمدی مطرح نیست. رکن اصلی کیفیت بخشی، تجهیزات، نیروی انسانی و ارزشیابی، معلم است. بنابراین می‌توانیم معلمان کارآمد و خلاق داشته باشیم که بیشترین اثربخشی را در مدارس و روی دانش آموزان داشته باشند. مدرسی هستند که امکانات زیادی دارند، ولی از درون آن‌ها ورزشکار مستعد و مطرحی بیرون نیامده است. معلم تربیت‌بدنی کارآمد باید از مسیر تعلیم بدنی به اهداف عالی تربیتی برسد.

دکتر تسلیمی: واژه کارآمدی در حوزه مدیریتی دارای تعریفی علمی است، ولی معلمی جزء مشاغل است که در چارچوب وظایف و پروتکل‌های سازمانی نمی‌گنجد. معلم کارآمد از نظر بنده، معلمی است که عاشقانه سر کلاس حاضر می‌شود و نگاهش به دانش آموز فارغ از شرح وظایف ابلاغی است و معلم کارآمد علاوه بر رعایت چارچوب‌های قانونی، همه هنر خود را به کار می‌گیرد و سعی می‌کند افراد حاضر در محیط اطراف را برای دستیابی به اهداف والای مورد نظرشان همراه کند. فکر می‌کنم معلم تربیت‌بدنی با توجه به جایگاهی که در بین دانش آموزان دارد و فضای متفاوتی که دانش آموزان با معلم ورزش تجربه می‌کنند، از این فرصت برخوردار است که دانش آموزان را در مسیر صحیح خودش همراهی کند. گاهی با معلم‌هایی مواجه می‌شویم که در سخت‌ترین شرایط توانسته‌اند با قرار دادن دانش آموزان در مسیر صحیح، انسان‌هایی شایسته و موفق تربیت کنند. افرادی که هم‌اکنون شغل معلمی را انتخاب می‌کنند، متأسفانه با علاقه کمتری به شغل معلمی می‌پردازند یا کمتر حاضر به از خودگذشتگی هستند و کمتر به عملکردی فراتر از شرح وظایف می‌اندیشند.

دکتر وحدانی: اجازه بدهید در ابتدا به عوامل مؤثر بر کارآمدی معلمان اشاره‌ای داشته باشم. برنامه درسی، مواد آموزشی، فضا، تجهیزات و بحث آموزش و توانمندسازی معلمان بخشی از این عواملند. همان‌گونه که در سند تحول بنیادین اشاره شده است، معلمان باید از روش‌های فعال، خلاق و تعالی بخش استفاده کنند. اهمیت برنامه درسی باعث شده است تا سازمان پژوهش در تدوین آن و معاونت تربیت‌بدنی و سلامت در اجرای آن بتوانند به نحوی مطلوب به تأثیر نقش عوامل خلاق و فعال در بین معلمان توجه داشته باشند. یک سری عوامل فردی و شخصی نیز بر کارآمدی معلمان تربیت‌بدنی مؤثرند. بحث انگیزه، وجدان کاری، عشق به کار، شایستگی‌های اکتسابی و انتسابی، توان بهره‌گیری خلاقانه از ظرفیت‌ها و امکانات موجود، از جمله این عوامل شخصی هستند. بنابراین وقتی صحبت از کارآمدی می‌کنیم یعنی معلم باید دارای شایستگی‌های عمومی، حرفه‌ای و تخصصی شامل مهارت‌های ارتباطی، مهارت‌های تدریس، تسلط بر محتوای برنامه درسی و روحیه پژوهشگری باشد و بتواند از آن شایستگی‌ها در کلاس درس بهره بگیرد. فضا شاید خیلی در اختیار معلم نباشد، ولی وظیفه مدرسه است که چنین شرایطی را فراهم کند. هر

چقدر فضا و تجهیزات بیشتری در اختیار یک معلم باشد، او از انعطاف‌پذیری بیشتر، انگیزه بیشتر در اجرای برنامه درسی و کارآمدی برخوردار خواهد بود.

دکتر امیرحسینی: آقای خسروی به نقش مدرسه و معلم کارآمد در تربیت دانش آموزان پرداختند و خانم تسلیمی نیز به اهمیت شوق و علاقه در بین معلمان تربیت‌بدنی توجه کردند. آقای وحدانی نیز به ویژگی‌های شخصی، اکتسابی و انتسابی یک معلم کارآمد اشاره داشتند.

آقای خسروی: اگر بخواهیم به صورت مصداقی وارد بحث شویم، باید فکر کنیم که آیا همه معلمان تربیت‌بدنی ما خوب و محبوب هستند؟ آیا هر کسی می‌تواند عهده‌دار درس تربیت‌بدنی شود؟ به عبارتی، ویژگی‌های درس تربیت‌بدنی یک فرصتی را برای معلم ایجاد می‌کند تا معلم به واسطه نشاطی که دارد و با توجه به نیاز دانش آموزان به انجام فعالیت، نشاط و بازی بپردازد و از آن‌ها بهره بگیرد. اینکه دانش آموزان به دنبال محیط‌هایی هستند تا در آنجا به صورت هوشمندانه، فعال و با اختیار و آزادانه فعالیت



دکتر محسن وحدانی

معلمان را باید خلاق تربیت کنیم. بخشی از این خلاقیت به ویژگی‌های فردی برمی‌گردد و بخشی دیگر از راه توانمندسازی و یاددهی امکان پذیر است

فضای هر کلاس در هر مدرسه منحصر به فرد است و بخش زیادی از توانایی‌های آموزشی و ارتباطی معلم به محیط‌های مشابه و ساعت‌های مشابه قابل تعمیم نیست، چون خیلی از ویژگی‌های شخصیتی و روانی ما تحت تأثیر دانش‌آموزان قرار می‌گیرد



دکتر زهرا تسلیمی

کنند، از جمله ویژگی‌های مهم درس تربیت‌بدنی است که کمتر در سایر درس‌ها اتفاق می‌افتد. اما معلمانی سراغ داریم که درس تربیت‌بدنی را نیز برای دانش‌آموزان زجرآور می‌کنند. متأسفانه مدارسی داریم که در آن دانش‌آموزان حاضرند در زنگ ورزش، مسائل ریاضی حل کنند، چنین معلمی با وجود داشتن تخصص، تحصیلات و شایستگی، متأسفانه ویژگی‌های درس تربیت‌بدنی و روحیه دانش‌آموزان را نشاخته است و نمی‌تواند نقش خودش را به صورت مؤثر ایفا کند. بحث محیط‌شناسی و مخاطب‌شناسی بسیار مهم است. زنگ ورزش نمی‌تواند به صورت پادگان باشد. پس معلم تربیت‌بدنی کارآمد باید به نیاز مخاطبان‌ش توجه کند. معلم کارآمد باید میل به آموختن و آموزدن داشته باشد. معلم باید به‌روز، پژوهشگر و مطالعه‌کننده باشد. معلم ورزشی که می‌خواهد والیبالی آموزش دهد باید از آخرین قوانین این رشته آگاهی داشته باشد، چرا که بچه‌ها از تلویزیون مسابقات جهانی والیبالی را تماشا می‌کنند و معلم نمی‌تواند به‌روز نباشد. معلم باید نگاهی تیزبینانه داشته باشد و تفاوت‌های دانش‌آموزان را بشناسد و براساس آن به دانش‌آموزان تمرین یا آموزش دهد. معلم باید از تمام محیط مدرسه استفاده کند. معلم باید علایق دانش‌آموزان را بشناسد. معلم ورزش باید کلاس را طوری اداره کند که دانش‌آموزانش برای حضور در کلاس درس شوق داشته باشند. معلمی که روحیه درون‌گرا دارد، نمی‌تواند در درس تربیت‌بدنی مفید باشد.

دکتر تسلیمی: یکی از عوامل مؤثر در بحث کارآمدی و تداوم آن، ارتباطی است که در مجموعه‌های مختلف آموزش و پرورش با معلم ورزش برقرار می‌شود. معلمان تربیت‌بدنی اگر سال به سال مدرسه خود را عوض کنند و محیط آموزشی آن‌ها متفاوت باشد، نمی‌توانند کارآمد باشند. فضای هر کلاس در هر مدرسه منحصر به فرد است و بخش زیادی از توانایی‌های آموزشی و ارتباطی معلم به محیط‌های مشابه و ساعت‌های مشابه قابل تعمیم نیست، چون خیلی از ویژگی‌های شخصیتی و روانی ما تحت تأثیر دانش‌آموزان قرار می‌گیرد، حتی اگر ما فضا و امکانات را کنترل کنیم که در واقع نمی‌توانیم.

باید این فرصت را فراهم بکنیم تا معلم ورزش بتواند دانش‌آموزان را درگیر فعالیت ورزشی کند. فکر می‌کنم در حوزه چارچوب‌های برنامه‌ریزی، در حوزه آموزش‌های ضمن خدمت، توانمندسازی و به‌روزرسانی معلمان، کمتر با آن‌ها ارتباط برقرار می‌شود. برنامه‌هایی که ارائه می‌کنیم هنوز به آن درجه از انعطاف نرسیده‌اند که معلم‌های مختلف با شرایط و محیط متفاوت بتوانند از آن‌ها بهره ببرند. این درست است که چارچوب‌های قانونی باید از طرف مراکز آموزشی براساس استانداردها تدوین شوند، ولی برای اینکه یک معلم انگیزه‌اش را از دست ندهد و همچنان بتواند کارآمدی خودش را در کلاس داشته باشد، چنین تعاملی باید بیشتر صورت گیرد و باید از معلمان بازخورد گرفته شود و باید در فضای آموزشی بیشتر به آنان اعتماد کنیم.

دکتر وحدانی: من فکر می‌کنم نقش حمایتی ذی‌نفعان، مسئولان بالادستی، کارشناسان تربیت‌بدنی و کارشناسان استان، چه از نظر حمایت‌های مادی و چه از منظر معنوی بسیار مهم است. معلمان را باید خلاق تربیت کنیم. بخشی از این خلاقیت به ویژگی‌های فردی برمی‌گردد و بخشی دیگر از راه توانمندسازی و یاددهی امکان‌پذیر است. دانشگاه فرهنگیان و شهید رجایی به‌عنوان متولیان تربیت معلم در این زمینه نقش بسزایی دارند. باید از جدیدترین روش‌های آموزشی توسط اساتید این دانشگاه‌ها استفاده شود. مطالعات تطبیقی، ایده‌ها و روش‌های نوین تدریس به آن‌ها آموزش داده شود و در دوره‌های ضمن خدمت این راه ادامه یابد. تاکنون سیزده دوره از جشنواره روش‌های تدریس در همین راستا برگزار شده است و در سال گذشته این جشنواره با رویکرد آموزشی و پژوهشی با روش جدید انجام شد. طبق این روش، معلمان در یک گروه تیمی تقسیم شدند و یک شیوه درس پژوهی در معلمان ایجاد کردیم که بتوانند از این ظرفیت برای توانمندسازی و انتقال تجارب خودشان استفاده کنند. فکر می‌کنم نسبت به جشنواره‌های قبل به اهداف و بازخورد بهتری دست یافتیم. این‌ها ظرفیت‌هایی فراهم می‌کند تا معلمان براساس آن‌ها روش‌های خلاق، نوین و کارآمد را یاد بگیرند و آن‌ها را به کلاس درس خود انتقال دهند.

دکتر امیرحسینی: من در دوران مسئولیت در

دبیرکلی کمیته ملی المپیک در فاصله سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۰، تجربه‌ای داشتم. در این دوران کتاب خوبی را به نام «فراتر از پیروزی؛ حکمت‌های جاویدان مربیان بزرگ» به نویسندگی جری والتون و ترجمه مرحوم دکتر رحمت‌الله صدیق سروستانی منتشر کردیم. این کتاب به سرنوشت هفت تن از مربیان مؤثر در تاریخ ورزش مثل لام باردی و جان بودن می‌پردازد. مربیان بزرگ در این کتاب مربیانی مؤثر و خردمند هستند. جان بودن یک معلم روستایی ولی بسیار ساده در آمریکا بود و در شرایطی که دنیا درگیر مواد مخدر، جنگ ویتنام و آسیب‌های اجتماعی بود، وی به موضوع اخلاق توجه داشت و رمز و راز موفقیت را در قالب یک بلوک‌بندی و در قالب شعر مطرح می‌کرد؛ شعرهایی مثل این‌ها: «چگونه می‌توان قهرمان شد/ حیرانی که چه می‌کنند/ و چگونه این چنین بر بلندای سکوی پیروزی قد برمی‌افرازند/ گام‌هایشان را استوار و شانه‌هایشان را ستبر/ پشت‌هایشان را قوی و محکم می‌پنداریم/ اما همین که جست‌وجویت برای یافتن راز سربلندی و سرافرازی اینان تمام شد/ درمی‌یابیم که راز این حرکت سربلندانه چیزی نیست جز داشتن پیشینه‌ترین.»

جان بودن خلایق و اشتیاقی را که توسط معلم در دانش‌آموزان ایجاد می‌شود، زیربنای موفقیت می‌داند و علاوه بر خلایق، بحث اشتیاق را در دل و جان آدمی می‌داند که باید تلاش کنیم لذت ببریم و دیگران را به هیجان بیاوریم. جان بودن بلوک‌هایی مثل رفاقت، وفاداری و همکاری را به شوق و اشتیاق و خلایق وصل می‌کند و هرمی ترسیم می‌کند که براساس سنگ‌بناهای آن، این‌الگو در جهان مطرح شده است. من در کشورهای شرق آسیا مشاهده کردم که هرم موفقیت جان بودن، اساس کار تعلیم و تربیت ورزشی آن‌هاست و اینکه چگونه بتوانیم به عظمت و باور دست پیدا کنیم. لام باردی نیز می‌گوید که بردن و پیروزی همه چیز نیست و تلاش خیلی مهم است.

خیلی از معلمان می‌توانند روحیه کمال‌جویی و موفقیت را به دانش‌آموزان تزریق کنند و اگر این امر با کار تیمی، رفاقت و وفاداری همراه شود، می‌تواند در موفقیت فرد نقش زیادی داشته باشد. فکر می‌کنم که در این زمینه مطالعه مربیان موفق به معلمان هیجان و انگیزه بدهد. قطعاً چنین جشنواره‌هایی می‌تواند کمک کند، ولی اگر تجربه معلمان ایرانی

نیز به صورت یک مدل دربیاید مؤثر خواهد بود. فکر می‌کنم معلمی کار بسیار بزرگی است. در کجا یک فرد به جز معلم می‌تواند چنین دوستان خوبی پیدا کند. من قبل و بعد از انقلاب تجربه معلمی داشتم و در یکی از سفرها به کرمانشاه، به دفتر فرماندار کرمانشاه به‌عنوان شاگرد سابقم رفتم که این باعث غرور من می‌شد. بسیاری از بچه‌هایی که رشد کردند و آدم‌های بزرگی در جامعه شدند یک سرمایه بزرگ برای معلم و جامعه هستند. بنابراین به نظر می‌رسد در بحث پایانی اگر به ویژگی مربیان موفق بپردازیم مهم باشد. شاید معلم در طول سال جمعا زمان زیادی با دانش‌آموزان ارتباط نداشته باشد، ولی اینکه چگونه یک معلم در زمانی چنین اندک می‌تواند تأثیر بگذارد، جای بحث دارد. برخی می‌گویند مربیان موفق، اولویت‌بندی را در زندگی به بچه‌ها یاد می‌دهند؛ اولویت‌هایی مثل خانواده، ایمان داشتن، تحصیل و ورزش خیلی مهم‌اند. از منظر دینی، امام حسین (ع) می‌فرمایند: «در تمام طول عمرتان برای سلامتی و تندرستی بکوشید و این نعمت خدایی را پرورش دهید.»

سخن پایانی

آقای خسرو: در قسمت دوم صحبت‌هایم به برخی از این ویژگی‌ها اشاره کردم. زمانی می‌رسد که معلم با ویژگی‌هایی که اشاره شد، خودش به‌عنوان ابزاری برای برآوردن بخشی از این انتظارات از معلم کارآمد به شرایط جذب وی برمی‌گردد که چه چیزی از او خواسته‌ایم و او صاحب چه ویژگی‌هایی بوده است. اینکه از معلم آزمون‌علاقه یا رغبت بگیریم یا نگیریم یا معلم را به همین شیوه جذب کنیم، بحث مهمی است. همچنین مرحله آموزش شیوه تدریس نیز مهم است.

بعد از این باید ابزار لازم را در اختیار معلم قرار دهیم. معلمی که صلاحیت‌های حرفه‌ای و شایستگی‌های شخصی برای معلم شدن را ندارد، نمی‌تواند حتی اگر با دانش‌آموز ۲۴ ساعت هم در ارتباط باشد روی او تأثیر بگذارد. لذا اگر ما در زمینه تربیت، نگهداشت معلم و تأمین فضاهای آموزشی برای معلم کوتاهی کنیم نمی‌توانیم انتظار زیادی داشته باشیم. وقتی که فضاهای آموزشی برای معلم فراهم

معلمی که صلاحیت‌های حرفه‌ای و شایستگی‌های شخصی برای معلم شدن را ندارد، نمی‌تواند حتی اگر با دانش‌آموز ۲۴ ساعت هم در ارتباط باشد روی او تأثیر بگذارد



سیدخسروی ▲

**جان بُودنِ خلاقیت
و اشتیاقی را که
توسط معلم در
دانش‌آموزان ایجاد
می‌شود، زیربنای
موفقیت می‌داند و
علاوه بر خلاقیت،
بحث اشتیاق را در
دل و جان آدمی
می‌داند که باید
تلاش کنیم لذت
ببریم و دیگران را
به هیجان بیاوریم**



دکتر امیر حسینی

نباشد و به نیازهای یک معلم توجه نشود، قطعاً در انتقال یک‌سری از مفاهیم مثل رفاقت، گذشت، پیروزی و میل به جنگندگی مؤثر است. در ورزش، حس دوستی بین بچه‌ها را با دست دادن تقویت می‌کنیم، ولی حس پیروزی را یاد نمی‌دهیم. ضمن اینکه معلم باید دغدغه فکری و معیشتی نداشته باشد. اگر بخواهیم از ابزار عبور کنیم و به شرایط لازم برسیم باید یک‌سری مقدمات را فراهم کنیم. یقیناً اگر معلم عالم و عامل به خیلی از موارد باشد، این علم و عمل را در نگاه، رفتار و کردارش به دانش‌آموزان منتقل خواهد کرد و واژه‌های همکاری، مشارکت، رفاقت، روحیه هویت‌یابی فردی، اجتماعی و دینی را به خوبی آموزش خواهد داد. لذا در بحث ویژگی‌های معلم کارآمد لازم است در جذب معلمان جدی و در آموزش معلمان کنونی، یک سری از این شرایط را باید به صورت عملی پیاده کرد، منوط به اینکه زمینه و بستر اقتصادی حاکم بر آموزش و پرورش نیز آماده شود.

دکتر امیرحسینی: از خانم دکتر تسلیمی تقاضا دارم این مسئله را تبیین کند که چگونه یک مربی خوب و کارآمد می‌تواند یک تیم خوب بسازد. موفقیت ملت‌ها وابسته به افرادی است که در آموزش و پرورش و مدارس به‌وسیله مربیان خلاق، متفکر و خردمند تربیت می‌شوند و به قول فردوسی که می‌گوید: «تنومند که او را خرد یار نیست/ به گیتی کس او را خریدار نیست»، یعنی اگر صرفاً بچه‌هایی تربیت کنیم که فقط تنومند باشند و خرد نداشته باشند، نمی‌توانند در موفقیت آینده یک ملت مؤثر باشند.

دکتر تسلیمی: یک معلم برای کارآمد بودن و موفق بودن و برای پرورش و تعلیم و تربیت، قبل از هر چیز باید کار خودش را باور داشته باشد. یقین داشته باشد که کارش مؤثر است. بعد از آن است که می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کند که یک چشم‌انداز داشته باشند. هدف‌گذاری صحیح برای بچه‌ها متناسب با شرایط و سن و نیازهای آنان داشته باشد و کمک کند که درس تربیت‌بدنی

به‌عنوان یک وسیله در تربیت آن‌ها مؤثر واقع شود. هدف ما آموزش والیبال، هندبال و بسکتبال در مدارس نیست، بلکه اهداف بزرگی باید در درس تربیت‌بدنی توسط معلم برای دانش‌آموزان متصور شود. اگر بچه‌ها را به سمت فکر کردن دهیم و فضایی برای آن‌ها فراهم شود که بتوانند چالش داشته باشند، این امر باعث رشد آنان خواهد شد. این‌گونه فضاها در مدارس کنونی ما خیلی کم است. معلم کارآمد نیاز به زمانی برای فکر کردن در مورد عملکرد خود دارد که متأسفانه این زمان هم‌اکنون فراهم نیست. متأسفانه برنامه‌ها، دستورالعمل و بخش‌نامه‌های زیادی که برای معلمان و وظایف زیادی تعیین می‌کنند فرصت فکر کردن معلم به عملکردش را از او گرفته‌اند. دانش‌آموزان تشنه برقراری ارتباط با معلمان‌اند؛ معلمانی که دوستانشان دارند و با آن‌ها احساس راحتی می‌کنند. به نظر می‌رسد سیاست‌گذاران باید چنین شرایطی ایجاد کنند. هم‌اکنون با این حجم برنامه‌های درسی حتی در درس تربیت‌بدنی که حالتی شاد و مهیج دارد، این ارتباط مثبت تحت تأثیر قرار گرفته است و یک معلم برای چنین ارتباط‌هایی به‌ویژه در دوره ابتدایی که اهمیت زیادی دارد، بسیار در تنگنا قرار می‌گیرد.

دکتر وحدانی: اشاره‌ای به الگوی تفکر خلاق چانگ می‌کنم که در الگوی او دو عامل «انگیزه» و «دانش» عناصر اساسی هستند. منظور از دانش، همان دانش علمی، تخصصی، مهارت‌ها و شایستگی‌های حرفه‌ای روش تدریس است و منظور از انگیزه نیز، انگیزه درونی و بیرونی است. این دو به هم کمک می‌کنند که در دانش‌آموزان نگرش ایجاد کنند. نگرش منتج به گرایش می‌شود و گرایش در دانش‌آموزان در نهایت تبدیل به رفتار می‌شود. اگر بخواهیم مطابق با سند تحول بنیادین، مهارت‌های زندگی را به دانش‌آموزان یاد بدهیم، دانش‌آموز باید در تمامی ساحت‌های زیستی و بدنی، اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی و مالی، هنری و زیبایی، دینی و اخلاقی، اعتقادی و عبادی رشد کند. همه این موارد می‌توانند شرایطی فراهم کنند که معلم با استفاده از تمامی ظرفیت‌ها، توانایی‌ها و شرایط بتواند این ساحت‌ها را در دانش‌آموزان فراهم کند و سرانجام به اهداف سند تحول دست یابد.